پیش‌بینی آذر منصوری از وضعیت سیاست در ایران

جریان‌های سیاسی حذف خواهند شد؟

نفیسه زارع‌کهن: آذر منصوری، فعال سیاسی، سال‌های دور اصلاح‌طلبی و قائم‌مقام فعلی دبیر کل حزب اتحاد ملت ایران اسلامی است. به باور او اگر جریانات سیاسی فرصت‌ها و تهدیدات فعلی در جهان کرونایی را جدی نگیرند، در فضای پساکرونا احتمال حذف‌شدن دارند.

او در گفت‌وگوی مجازی خود با «شرق» توضیح داد که جریان‌های سیاسی اگر توجه لازم را بر تأثیر بحران کرونا بر متغیرهای داخلی و خارجی مانند انتخابات ۱۴۰۰ و تحریم‌های بین‌المللی نداشته باشند، در نوع سیاست‌ورزی و رویکردهای‌شان درباره تحولات ایران دچار خطا خواهند شد و قاعدتا این نوع خطا ممکن است آنها را از صحنه سیاسی ایران هم به‌نوعی حذف کند.

به باور این فعال سیاسی در چنین شرایطی هر جریان سیاسی که بتواند تحلیل درست و واقع‌بینانه‌ای از دوران کرونا و پساکرونا داشته باشد و سرمایه اجتماعی خودش را تقویت کند، می‌تواند در آینده سیاسی ایران هم نقش تأثیرگذاری داشته باشد.

به اعتقاد منصوری در صورت تداوم حیات این بیماری، توجه به مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌ها که بتواند موجب انسجام و وحدت ملی در کشور شود، ضروری است.

عکس: محمد موذنی

به نظر شما بحران کرونا در کشور ما سطوح سیاست‌گذاری را چگونه تغییر داده است؟

بحران کرونا به دلیل ویژگی‌های متعدد و متفاوتی که دارد؛ نه‌تنها زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است؛ بلکه توان دولت‌ها و نظام‌های سیاسی را در مقابله یا مهار و مدیریت این بیماری مورد آزمون قرار داده است.

به‌همین‌دلیل همه سطوح سیاست‌گذاری را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این تأثیرگذاری محدود به نهاد و نظام سلامت نیست که با توجه به نوع این بحران‌ها باید خود را به‌روزرسانی کند؛ بلکه مجموعه رویکردها چه در سیاست داخلی و چه خارجی باید بر مبنای تهدیدهای چنین بحران‌هایی، اصلاحات لازم را برای تداوم حیات خود جریان‌سازی کنند. آنچه انجام این اصلاحات را ضروری‌تر می‌کند، ویژگی خاص کووید ۱۹ است. کرونا تبدیل به درد مشترکی شده است که درمان مشترک می‌خواهد.

همین مسئله فرصتی را پیش‌روی کشورها قرار می‌دهد تا به سیاست‌هایی بیندیشند که کانون توجه این سیاست‌گذاری‌ها نجات جامعه بشری از بحران فعلی و بحران‌های پیش‌رو باشد. به‌عنوان مثال در سیاست داخلی باید بر برنامه‌هایی تمرکز کرد که ضمن اینکه هدف اصلی‌اش کاهش آلام مردم و تقویت سرمایه ملی باشد، به تقویت مؤلفه‌های همبستگی ملت‌ها بینجامد. طبعا در کنار مجموعه اقدامات کوتاه‌مدت نهاد سلامت باید مجموعه اقدامات و برنامه‌های بلندمدت با این رویکرد باشد. همین رویکرد می‌تواند در سیاست خارجی هم تعمیم داده شود. تعامل با کشورهای منطقه و جامعه جهانی با هدف تقویت منافع ملی کشورها نیز به نظرم بعد از کرونا و در حین بحران ازجمله اصلاحاتی است که باید برای مهار این نوع بحران‌ها مدنظر قرار گیرد. در غیراین‌صورت همه جهان متحمل خسارت‌های جبران‌ناپذیر خواهد شد. دلیل اصلی آن هم خصلت این ویروس است؛ چون شکست یا موفقیت یک کشور در مقابله با این ویروس شکست یا موفقیت همه کشورها محسوب می‌شود.

به باور بسیاری جهان بعد کرونا، از جهان قبل آن متفاوت خواهد بود. آیا این ایده را تأیید می‌کنید؟

به طور قطع جهان قبل از کرونا با جهان بعد از کرونا تفاوت‌های بسیار جدی خواهد داشت. نوع تعاملات و ارتباط بین جوامع مختلف تحت تأثیر آن قرار خواهد گرفت. دلیلش هم همان‌طور که در سؤال اول گفتم، ویژگی و خصوصیات خاص آن و نوع همه‌گیری و سرایت این ویروس است. اینکه مجموعه کشورها در تلاش هستند تا سریع‌تر به درمان مؤثری برای پیشگیری از این بیماری دست پیدا کنند، به نظرم می‌تواند نقطه شروع این تغییرات باشد. تمرکز سازمان بهداشت جهانی برای کاهش میزان اثرگذاری ویروس یا تمرکز بر اقدامات پیشگیرانه و آمادگی کشورها و تعامل و ارتباط بین کشورها و امدادرسانی کشورها به هم به نظرم ناشی از همین خصوصیت ویروس است.

پس معتقدید در ایران هم شرایط پس از کرونا، موقعیتی جدید و متفاوت خواهد بود؟ درست است؟

بله، همین‌طور است. طبیعتا ایران پساکرونا هم همچنان که در بحران کرونا مشاهده کردیم، با توجه به زمان حیات این ویروس، تحت تأثیر این بحران قرار خواهد گرفت. طبیعتا تداوم حیات این ویروس بر اقتصاد کشور اثرات جدی به‌جا خواهد گذاشت و همین مسئله ضرورت توجه به مؤلفه‌هایی را که می‌تواند موجب تقویت و همبستگی و اتحاد ملی بشود، بیشتر می‌کند. تحت این شرایط انتظار و پیش‌بینی محتمل این است که شاهد تغییر مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌ها و رفتارها در ایران پساکرونا باشیم. در صورت تداوم حیات این بیماری توجه به مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌ها که بتواند موجب انسجام و وحدت ملی در کشور شود، ضروری است.

چه سیاست‌گذاری‌هایی؟

مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌ها که بتواند رویکردها را به‌سمت واقعیت‌های جامعه امروز ایران و جهان پیرامونی ایران اصلاح کند و توجه به مطالبات دیگر شهروندان را در کنار تأمین رفاه اجتماعی و حداقل‌هایی را که وظیفه دولت‌هاست، در اولویت قرار دهد.

به‌این‌ترتیب باور دارید که سیاست پساکرونا هم در ایران چهره‌ای متفاوت خواهد داشت؟

قاعدتا نوع بحران و ویژگی‌هایی که این کشور دارد تأثیرش را بر همه تحولات ازجمله تحولات سیاسی ایران هم برجای خواهد گذاشت. قاعدتا تأثیرگذاری ویروس کرونا و بحران کرونا بر اقتصاد و سفره خانوار ایران قابل‌تأمل خواهد بود. مسئله تحریم‌های تحمیل‌شده به ایران یا انتخاباتی که در پیش رو داریم، همگی متغیرهایی هستند که تحت تأثیر بحران کرونا قرار خواهند گرفت. به اعتقاد من این مسئله مهم است و همه جریان‌های سیاسی اگر توجه لازم را بر تأثیر بحران کرونا روی این متغیرها نداشته باشند، در نوع سیاست‌ورزی و رویکردهایشان نسبت به تحولات ایران دچار خطا خواهند شد و قاعدتا این نوع خطا ممکن است آنها را از صحنه سیاسی ایران هم به‌نوعی حذف کند؛ به همین دلیل به نظرم توجه به بحران کرونا و تأثیرات آن بر نوع تعاملات و به‌ویژه اقتصاد ایران، اثر خودش را در فضای سیاسی ایران و اساسا سیاست در دوران پساکرونا به‌جای خواهد گذاشت. بدون توجه به این تغییرات و متغیرهای مهم اثرگذار قاعدتا هم پیش‌بینی‌ها غیرواقع‌بینانه خواهد بود و هم رفتارها، آن‌گونه نخواهد بود که بتواند شاخص‌هایی مثل اعتماد عمومی و انسجام ملی را تقویت کند. در آینده پساکرونا باید توجه شود که تأثیرات این بحران‌ها بر سیاست خارجی و داخلی ایران چه خواهد بود و براساس این تحلیل کرد؛ به‌نوعی سیاست‌ورزی واقع‌بینانه در ایران امروز دست پیدا کرد و به راهبردهای مؤثر برای حل مناقشات داخلی و خارجی رسید.

جریانات سیاسی در این میان باید چه کنند؟

در چنین شرایطی هر جریان سیاسی که بتواند تحلیل درست و واقع‌بینانه‌ای از دوران کرونا و پساکرونا داشته باشد و سرمایه اجتماعی خودش را تقویت کند می‌تواند در آینده سیاسی ایران هم نقش اثرگذاری داشته باشد، اما بدون توجه به مجموعه این متغیرها و مسائلی که گفتم، قاعدتا بحران کرونا و فضای پساکرونا چه‌بسا موجب حذف جریان‌های سیاسی در فضای سیاسی کشور شود.

ازمنظر جامعه چطور؟ آیا ایرانی متفاوت با ایران قبل از بهمن ۹۸ را شاهد خواهیم بود؟

به نظرم در همین مدت تقریبا سه ماه که به‌طور رسمی وجود کرونا در ایران اعلام‌شده، این ویروس تأثیر خودش را در جامعه ایران به‌جا گذاشته است. تفاوت این بحران با بحران‌های دیگر این است که این ویروس موجب جداسازی و ایزوله‌شدن افراد جامعه از یکدیگر شد. به نظرم این نکته، نکته درستی است. تعطیلی همه مکان‌هایی که می‌توانست این تعاملات و ارتباطات را بیشتر کند و اعمال قرنطینه، در خانه ماندن و مجموعه‌ای از پروتکل‌های بهداشتی که باید برای مقابله و مهار این ویروس رعایت شود، باعث شده این ویروس شرایط جدید را به جامعه تحمیل کند. در چنین شرایطی وقتی حیات ویروس و نوع این بیماری باعث ایزوله افراد جامعه از یکدیگر می‌شود، طبیعتا این احتمال را ایجاد می‌کند که در آینده به‌نوعی با آفت فردگرایی و توجه افراد جامعه نسبت به حفظ جان خود و خانواده‌شان در اولویت قرار بگیرد. طبیعتا این مسئله می‌تواند بر مجموعه‌ای از رفتارهای جمعی جامعه اثرگذار باشد. مسئله قابل‌توجه تطبیق جوامع، حتی جامعه ایران با تطبیق رو به افزایش جامعه با این ویروس است، به‌طوری‌که استفاده از فضای مجازی برای پیگیری گفت‌وگوها و جلسات بیشتر شده است.

همین ویروس جامعه ما را به این فکر فرو برد که چگونه و از چه راه‌هایی می‌تواند این تعاملات را حفظ کند. استفاده از ظرفیت‌های مجازی برای برگزاری جلسات که نمونه مشخصش هم در طول این مدت جلسات هرروزه دولت بوده است که در سطح استان تهران و چه در کل کشور از این فرصت شبکه‌های مجازی و ظرفیت‌های آنلاین استفاده کرده برای اینکه بتواند پیگیری‌های خاص خود را داشته باشد. همین موضوع تعمیم داده می‌شود به مناسبت‌هایی مثل مناسبت ماه رمضان که شاهد هستیم از فضای اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی بهتر استفاده می‌شود که صدای گروه‌های مرجع به جامعه بیشتر برسد. قطعا حرکت در این مسیر می‌تواند خطر ایزوله‌شدن افراد جامعه از هم را برطرف کند که به‌طورقطع زمان‌بر خواهد بود. اما با درنظرگرفتن همه اینها هیچ فضای آنلاینی نمی‌تواند جایگزین فضای واقعی و گفت‌وگوهای رودررو و تعاملات انسانی شود. تعامل در فضای مجازی نمی‌تواند جایگزین تعامل در فضای حقیقی شود. مجموعه این ظرفیت‌ها نمی‌تواند جایگزین نوع ارتباطات انسانی شود که لازمه نشاط، پویایی و حیات جامعه بشری است. سوی دیگر ماجرا این است که به دلیل تأثیرات شگرف کرونا بر اقتصاد ایران در فضای پساکرونا و در طول بحران کرونا که انتخابات مهم ریاست‌جمهوری را در ۱۴۰۰ در پیش رو داریم هر گروه و جریانی که بتواند قدرت بسیج‌کنندگی جامعه و همراهی جامعه را با خود داشته باشد، با توجه به مجموعه‌ای از مشکلات ایران که عرض کردم، می‌تواند جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و قاعدتا پیروز انتخابات شود. البته این مسئله به نوع نگاه مجموعه تهدیدهایی که شکاف‌ها متوجه منافع ملی ما کرده بازمی‌گردد. قاعدتا این تغییر رویکردها و اصلاح سیاست‌گذاری‌ها که باید بتواند به تقویت شاخص‌های حکمرانی خوب کمک کند، اگر اعمال شود می‌توان گفت در ایران پساکرونا شاهد تحولات مثبتی به نفع ایران و منافع ملی کشور خواهیم بود.

همان‌طورکه خودتان می‌دانید درباره آماری که درباره این بیماری در کشور ما ارائه می‌شود و حتی زمان شروع آن اماواگرهایی هست. از طرفی تا پیش از کرونا شاهد افت اعتماد عمومی بوده‌ایم. آیا این روند اعتماد عمومی را بیش‌ازپیش شاهد رشد آن خواهیم بود؟

قبلا هم در یادداشت‌ها و مصاحبه‌ها مکرر گفته‌ام در شرایطی که جامعه با بحران اعتماد عمومی مواجه است، گذر از یک بحران مثل بحران کرونا برای این جامعه به‌مراتب سخت‌تر خواهد بود. چه‌بسا در زمانی که اولین بیمار مبتلا به کرونا در کشور شناسایی‌شده بود و این مسئله موردتوجه قرار می‌گرفت، به‌مراتب شاهد خسارت‌های کمتری بودیم یا اعمال قرنطینه‌های بهنگام و به‌موقع که می‌توانست سطح پیک بیماری را برای ما پایین‌تر بیاورد و طبیعتا مرگ‌ومیر ناشی از بیماری را کمتر کند. این موارد قاعدتا این واقعیت را پیش‌روی ما به تصویر می‌کشد که ما و بسیاری دیگر از کشورها از بحران کرونا عقب ماندیم و آنچه باعث شد مدیریت بحران کرونا در ایران سرپا بماند و با خسارت‌های به‌مراتب کمتری همراه شود، چند دلیل داشت.نخستین آنها شبکه‌های مجازی بودند که به دولت و ستاد ملی مبارزه با کرونا کمک کردند؛ چه برای استفاده از اپلیکیشن‌هایی مثل ماسک که توانسته به جامعه برای شناختن مناطق قرمز، سفید و زرد کمک کند که خودش به‌نوعی یک وجه مهم پیشگیری از بیماری محسوب می‌شود و چه اطلاع‌رسانی‌هایی که به‌واسطه ویژگی‌های این بیماری در شبکه‌های مجازی شکل گرفت و باعث شد همان‌طورکه وزیر بهداشت و بسیاری از مسئولان گفتند، اکثریت مردم ایران توجه لازم را به این پروتکل‌ها داشته باشند و نکات بهداشتی را رعایت کنند. اما قاعدتا ارائه آمار درست و واقعی و اعمال حساسیت‌های لازم و پیشگیرانه در زمانی که این بحران وارد کشور ما شد و در طول این بحران نه‌تنها می‌توانست به تقویت اعتماد عمومی کمک کند بلکه می‌توانست با حذر داشتن جامعه و رعایت پروتکل‌های بهداشتی و به‌نوعی واقعی جلوه‌دادن خطر این بیماری و کشنده‌بودنش، از سطح آسیب‌ها و تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت بر اقتصاد و معیشت بکاهد. درواقع بیان واقعیت‌ها در کنار کم‌کردن خسارت‌های ناشی از این بیماری و همراهی مردم می‌توانست کمک کند که اعتماد عمومی هم تقویت شود. مجموعه نظرسنجی‌هایی که دیده‌ام، حاکی از این است که عموم جامعه به آمارهای منتشره اعتماد ندارند و آن را واقعی نمی‌دانند. صرف‌نظر از اینکه من در جایگاهی باشم که قضاوت کنم آمارها واقعی است یا نه، قاعدتا اعمال مجموعه‌ای از رفتارها در بحران کرونا می‌توانست و می‌تواند کمک کند برای اینکه اعتماد ازدست‌رفته و شکافی که بین مردم ایجاد شده ترمیم شود.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت

کارت بازی اصلاح‌طلبان چیست؟!

• **امید فراغت، روزنامه‌نگار:** روند حرکت جامعه جهانی تا حدودی برای همگان قابل فهم شده است، اما نکته مهم تفاوت ذهنیت بین مردم و حکمرانان است. سیاست، معامله، معادله و محاسبه‌ای بین دولت‌هاست، اما محاسبه سیاست برای مردم بر اساس رفاهیات است و مهم‌ترین مانع برای رفاه جامعه امروز ایران، اقتصاد و معیشت است. مردم در فضای گره کور اقتصاد دچار سردرگمی و مهم‌تر ناامیدی هستند و به نوعی فضای موجود را تبعیض‌آمیز و به عبارتی بازی برد- باخت به حساب می‌آورند، بنابراین با توجه به واقعیت موجود باید گوشزد کرد که کارت بازی اصلاح‌طلبان واقعیت‌انگاری است، چراکه مردم در واقعیتِ بی‌رحم زیست دارند و واقعیت امروز ایران تناسبی با شعارهای هر دو جریان سیاسی کشور؛ یعنی اصلاح‌طلبان و اصولگرایان ندارد. همان‌طور که می‌دانید، شعارها تا به اکنون نتوانسته توسعه‌آفرین باشد و درواقع کلمات و جملات توسعه‌آفرین ابزاری برای تقابل‌های سیاسی شده و بر همین اساس است که برخی بر این نظر هستند که جامعه در یک رهاشدگی قرار دارد و روند حرکت جامعه ایران بر اساس تأثیرپذیری از داده‌های جهانی است، چراکه فناوری و تکنولوژی در قالب داده‌های شبکه‌های اجتماعی برای جوامع کمتر توسعه‌یافته، جهش ذهنی تولید کرده است. اگر به تعبیر برخی کارشناسان جامعه از اصولگرایان و اصلاح‌طلبان عبور کرده است به این دلیل است که جریان‌های سیاسی موجود کشور ادبیات غالب زیر پوست جامعه را نمی‌دانند و ناگزیر کارکرد سیاست را به دامنه محدودی تقلیل داده‌اند! باید پذیرفت در شرایط حال‌حاضر کارکرد سیاست یا همان قدرت برای مردم نیست! در فضایی که مردم تحت‌تأثیر مراجع فکری پراکنده درونی و بیرونی قرار گرفته‌اند و روند موجود را کاربردی نمی‌دانند، مؤثرین اصلاح‌طلب باید متناسب با ذائقه مردم اقدام و عمل داشته باشند. کارت بازی اصلاح‌طلبان فقط واقعیت‌انگاری است؛ واقعیت‌هایی که اگر به آن پرداخته نشود گریبان هر جریان سیاسی را خواهد گرفت! بر همین اساس انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ می‌تواند هم سکوی پرتاب و هم پاشنه‌آشیل هر جریان سیاسی باشد. اصلاح‌طلبان باید به طور جدی به بازتولید و بازتعریف خود بپردازند و البته باید متوجه باشند که با روش و منش‌های پیشین نتایج متفاوت به دست نخواهد آمد. تئوری اصلاح‌طلبی باید بر اساس واقعیت‌های جامعه بازتعریف شود! چراکه ادبیات قدرت همانی است که بود! بنابراین حکمرانان همواره در برابر واقعیت‌های تلخ تغییر روش و منش می‌دهند که گاه این تغییر دیر خواهد شد! بنابراین اصلاح‌طلبان اگر در فضای واقعیت‌ها حضوری مؤثر پیدا کنند، آن‌گاه در این واقعیت‌ها همراهی مردم را تجربه خواهند کرد! اصلاح‌طلبان باید بپذیرند که اگر حرف‌هایشان شنیدنی بود تا به حال شنیده شده بود. نقطه‌ضعف اینجاست که برخی به دنبال دست نوازش ادبیات قدرت هستند، اما ادبیات قدرت با هیچ جریان و گروهی تعارف ندارد، بنابراین در چنین شرایطی تنها کارتی که می‌تواند ضمانت همراهی ایجاد کند، همدلی و همراهی با ادبیات غالب زیر پوست جامعه است!

روزنه

حزب اتحاد ملت مطرح کرد

پرهیز از تقابل لفظی با نیروها و احزاب جبهه اصلاحات

• **ایرنا:** در جلسه دفتر سیاسی حزب اتحاد ملت که به صورت مجازی و به ریاست علی شکوری‌راد، دبیرکل حزب برگزار شد، رؤسای کمیسیون‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زنان، علمی- فرهنگی و آموزشی و نهایتا امور زیربنایی و محیط زیست گزارشی از جلسات و عملکرد خود ارائه دادند. بررسی بازتاب‌های بیانیه اخیر حزب به مناسبت روز کارگر و روز معلم، از جمله مباحث مطرح‌شده در این جلسه بود و در آن، با اشاره به هویت عدالت‌خواهانه اکثر اعضا و مؤسسان حزب، تأکید شد که در کنار گفتمان آزادی و دموکراسی‌خواهی اصلاح‌طلبانه که همواره مورد مطالبه و در محور گفتمان اصلاحات و حزب بوده است، عدالت اجتماعی نیز بایستی در اعلام مواضع حزب مورد توجه بماند. سخنرانی اخیر رئیس دولت اصلاحات و انتشار گسترده آن در فضای مجازی از دیگر موضوعات مطرح‌شده در این جلسه بود. اعضای جلسه، با تأکید بر نقش رهبری بی‌بدیل ایشان در روند اصلاح‌طلبی ملت ایران، تداوم بدون فرازونشیب رویکرد خاتمی در دفاع از مردم و منافع ملی را سرمایه بزرگ این جریان فکری و سیاسی برآورد کرده و بر تبیین و ترویج محورهای سخنرانی اخیر ایشان توسط اعضای حزب تأکید کردند. پرهیز از تقابل لفظی با نیروها و احزاب درونی جبهه اصلاحات مگر در جایی که اتهامی به حزب وارد شده باشد که ایجاد شفافیت و توضیح را ضروری کند، از دیگر موارد مورد توافق در این جلسه بود. بحث درباره تحولات دوران پساکرونا، از دیگر دستورات اصلی این جلسه بود که پیامدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن به اجمال مورد توجه و بررسی قرار گرفت. در این رابطه مقرر شد این موضوع همچنان در دستور دفتر سیاسی و شورای مرکزی باقی بماند و کمیسیون‌های تخصصی حزب نیز هر یک در زمینه کاری خود دراین‌باره، بررسی‌های علمی و مطالعاتی به عمل آورده و گزارش آن را به دفتر سیاسی ارائه دهند.

الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

• **راننده متخلف و متواری را شناسایی کنید:** یکشنبه، ۲۱ اردیبهشت، بعدازظهر راننده موتورسیکلت در حال عبور از میدان آب‌موتور منطقه ۱۴ تهران بود که یکی از رانندگان پژو ۲۰۶ با سرعت بالا خلاف جهت در حال حرکت بود و چیزی نمانده بود با موتورسیکلت تصادف کند. وقتی موتورسیکلت‌ران به کار غیرقانونی راننده اعتراض کرد، راننده کمی جلوتر مقابل پلاک ۲۸ کنار داروخانه، متوقف شد و پیرمردی با چوب و چماق از داخل خانه بیرون آمد و راننده موتورسوار را که سرباز وظیفه هم بود به باد کتک گرفتند و همگی از محل درگیری متواری شدند. بلافاصله با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ و اورژانس تهران تماس گرفته شد و آنها به محل مراجعه و مصدوم به نام عرفان به بیمارستان امام حسین(ع) انتقال یافت. از کلانتری ۱۱۰ شهدا تقاضا دارم با توجه به وجود دوربین‌های بانک صادرات در محل حادثه راننده متواری را شناسایی کنند.

پدر مصدوم

• **تفاوت رسیدگی به بیماران:** عده‌ای از کادر درمانی بیمارستان‌ها بدون وقفه در خدمت بیماران کرونایی بودند و هستند. در میان تلاشگران، بعضی‌ها هم از رسیدگی و پاسخ‌گویی به بیماران و همراهان خودداری می‌کنند؛ به‌عنوان‌نمونه یکشنبه، ۲۲ اردیبهشت، ساعت سه صبح که در بخش اورژانس بیمارستان امام حسین(ع) بودیم، یکی از کمک‌بهیارها وقتی آنژیوکت را از دست بیمارمان خارج کرد، از چسب‌زدن خودداری و خون فوران کرد. وقتی درخواست چسب کردیم، نداد و در پاسخ به سؤال ما جواب سربالا داد. از بیمارستان و تلفن داخلی با سوپروایزر وقت تماس گرفتم، گفت به مسئول بخش می‌گوید فوری رسیدگی کند. دقایقی طولانی منتظر شدیم، اما خبری نشد. با دستان خون‌آلود به ترياژ بیمارستان مراجعه و درددل کردیم. درحالی‌که تمامی هزینه‌ها آزاد محاسبه و به صندوق پرداخت شد، آیا ترخیص بیماران باید با شرحی که داده شد، انجام شود. از مسئولان وزارت بهداشت و رئیس بیمارستان تقاضای رسیدگی به سهل‌انگاری کمک‌بهیار و سوپروایزر وقت را دارم.

علی از تهران